

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۲۱، پاییز ۱۳۹۵

نخستین نقش آفرینی سیاسی عیاران در بغداد قرن دوم^۱

عباس احمدوند^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۴

تاریخ تصویب: ۹۵/۶/۲۱

چکیده

عیاران گروهی از جوانمردان فقیر و بی‌باک بودند که در تحولات بغداد عهد عباسی نقشی بسزا ایفا کردند. این گروه را به اقتضای محل ظهورشان به نام‌های گوناگون و گاه مشابه شطاران، زواقیل، صعالیک، طراران، عقوقه، فتاک، ظرفاء و جوانمردان نیز خوانده‌اند. با این حال، بیشتر مورخان بر آنند که این افراد در واقع راهزنان و غارتگرانی بودند که تابع قانون خاص و سلسله مراتب مخصوص خود بودند. در اواخر قرن دوم هجری آنان با بهره‌گیری از نزاع میان امین عباسی (حک: ۱۹۳-۱۹۸ق.) و مأمون عباسی (حک: ۱۹۸-۲۱۸ق.) توانستند برای نخستین بار از میان توده‌های گمنام و فرودست جامعه بیرون آمده بر تحولات سیاسی بغداد آن زمان تأثیر گذارند. پژوهش حاضر با استفاده از روش زمینه‌شناسی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2016.2509

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی؛ a_ahmadvand@sbu.ac.ir

تاریخی به بررسی اسباب و علل نقش آفرینی سیاسی عیاران در بغداد
اواخر قرن دوم پرداخته است. همچنین نشان می‌دهد عیاران در درگیری
امین و مامون چگونه برای اولین بار نقش سیاسی خود را ایفا کردند؟

واژگان کلیدی: بغداد، عیاران، شطاران، درگیری امین و مأمون.

مقدمه

عیار در لغت به معنای فردی است که پیوسته در تحرک و تردد است، اما در اصطلاح بیشتر به مفهوم دزد شرافتمند به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۲: ذیل ماده عیر؛ دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل ماده عیار؛ صفی پوری شیرازی، ۱۳۵۳). شطاران نیز جمع واژه شاطر است که در لغت به معنای ترک کننده و کسی که دیگران از قبل او امرار معاش می‌کنند. با اینکه صفات زیرکی، مکر، حيله، نیرنگ و حتی خیانت را نیز به شاطر نسبت داده‌اند. شاطر در باهوشی و چابکی مانند عیار است (ابن منظور، ۱۴۱۲؛ نفیسی، ۱۳۴۳: ماده‌های شطر و عیار). این گروه از دزدان شرافتمند را به اقتضای محل ظهورشان به نام‌های گوناگون و گاه مشابه شطاران، عیاران، صعالیک، طراران، ظرفاء و جوانمردان نیز خوانده‌اند. با این حال، بیشتر مورخان بر آنند که این افراد در واقع راهزنان و غارتگرانی بودند که تابع قانون خاص و سلسله مراتب مخصوص خود بودند. در عراق این گروه را شطاران و در مغرب اسلامی عقُوره و فتاک می‌خواندند که با دزدی، راهزنی و غصب اموال ثروتمندان روزگار می‌گذراندند (برای نمونه، نک. ابن جوزی، ۱۴۰۳، ج ۸: ۷۲؛ همو، ۱۴۱۰: ۳۹۲؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۹: ۱۲۶-۱۲۲). همچنین این افراد را بنابر پایگاه پایین اجتماعی‌شان، صعالیک نیز می‌نامیدند (خلیف، بی تا، ص ۶۰ به بعد؛ نیز قس. قرشی، بی تا: ۱۱۵؛ بکری، ۱۹۵۸: ۱۵۳؛ کحاله، ۱۹۷۳: ۳۰).

با آن که گمان می‌رود ظهور پدیده عیاران و شطاران از قرن سوم به بعد صورت گرفته، شواهدی در دست است که نشانگر حضور سازماندهی شده و کاملاً مشخص آنان در قرن دوم است. در منابع متقدم و متأخر، چه در ذیل بابی مخصوص و چه در ضمن بیان رخدادهایی که زمینه‌ساز حضور عیاران بوده، از آنان سخن به میان آمده است؛ برای نمونه مسعودی، طبری و ابن اثیر، ضمن شرح جنگ امین و مأمون در بغداد، از چگونگی حضور

عیاران، شمار و دسته‌بندی‌های آنان سخن به میان آورده‌اند. همچنین درباره اصول اخلاقی عیاران برخی نویسندگان مانند راغب اصفهانی در ذیل بابی با عنوان «وصیت عثمان خیاط به شطّار دزد» از عیاران سخن گفته است (اصفهانی، ۱۹۶۱، ج ۳: ۱۹۸ به بعد). جاحظ نیز در کتاب *حیوان*، صفاتی چون سارقان، غوغائیان، مکاران و حيله گران را به آنان نسبت داده است (جاحظ، ۱۹۷۸، ج ۲: ۳۹۲؛ ج ۳: ۵۵۴). وی در دیگر کتاب خویش، *لصوص*، حکایت‌هایی جذاب از دزدان شطّار و حیل‌ها و مکاری‌های آنان آورده است. تنوخی هم در کتاب *الفرج بعد الشدة* برخی از حکایت‌های جاحظ را درباره عیاران تکرار کرده است (تنوخی، ۱۹۷۸، ج ۴: ۳۳۱ به بعد).

تور^۱، از پژوهشگران عصر حاضر، نیروهای داوطلب مردمی یا *مُطَوِّعَه* (داوطلبان) را همان عیاران می‌داند که هنگام نبرد مهدی عباسی (حک: ۱۷۹-۱۵۸ ق.) با سپاه روم، خلیفه مهدی را یاری کردند (Tor, 2007, p.81). عبد مولی، حمایت عیاران از حکومت و مردم و نیز حضور آنان در صحنه‌های مختلف را در نتیجه اخلاق جوانمردانه آنان می‌داند (عبد مولی، ۱۴۱۰: ۲۹ به بعد). محمد ارشید عقیلی در مقاله‌ای با عنوان «العیارون و الشطّار»، ضمن بررسی مفهوم عیار و اخلاق عیاران، به کلیاتی پیرامون نقش آفرینی آنان در عصر عباسی اشاره می‌کند (عقیلی، ۱۹۹۴: ۱۰۴-۹۴). به هر ترتیب، ضروری است اسباب و علل نخستین نقش آفرینی سیاسی عیاران در بغداد قرن دوم بررسی شود. آیا همان‌گونه که بیشتر منابع اشاره دارند، نخستین نقش آفرینی آنان در جریان نزاع امین و مأمون رخ داده یا چنان که مسعودی می‌گوید حضور سازماندهی شده آنان برای بار نخست در عهد مهدی و هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ ق.) رخ داده است؟ همچنین عیاران در نزاع میان امین و مأمون چگونه خود را نشان دادند؟ آیا این نیروها نظام‌مند و دارای اهداف سازمان‌یافته بوده‌اند یا فرصت‌طلبانی بودند که به طور مقطعی و به هنگام ایجاد خلأ در قدرت حاکم به پا می‌خاستند؟ از این رو در پژوهش حاضر، با بازخوانی روایت‌های منابع معتبر تاریخی، در پی پاسخی متقن و مستدل برای این پرسش‌ها خواهیم بود.

1. Tor

زمینه‌های ظهور عیاران در جریان درگیری امین و مأمون

یکی از سیاست‌های جنجال‌برانگیز خلفای عباسی از ایام سَفّاح (حک: ۱۳۶-۱۳۲ ق.) به بعد، تعیین جانشینان متعدد برای خلیفه بود که این شیوه، سبب بروز تنش، اختلاف و گاه جنگ‌های خانمان‌سوز می‌شد (یعقوبی، ۱۸۹۲، ج ۲: ۴۱۵؛ احمدوند، ۱۳۹۰: ۲۰۸ به بعد). با مرگ هارون اختلافات نهفته طرفداران امین و مأمون آشکار شد؛ مأمون با واگذاری امارت ری به طاهر بن حسین (حک: ۲۵۹ق-۲۰۷ق)، وی را مأمور مقابله با سپاه علی بن عیسی کرد (طبری، بی تا: ۴۱۱؛ جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۹۳). با رسیدن خبر شکست سپاه پرشمار امین، بغداد در وحشت شد (طبری، بی تا: ۴۱۴-۴۱۳). سخت‌گیری و اقدامات طاهر بسیاری از ساکنان بغداد را ناگزیر از مهاجرت یا فرار کرد. او حتی مبادی ورود خواربار و آذوقه را به شهر بست و از بازرگانانی که همچنان اجازه تجارت با بغداد را داشتند، مالیات‌های سنگین طلب کرد که موجب گرانی هرچه بیشتر ارزاق و در نتیجه تنگنای معیشتی مردم بغداد شد (مسعودی، ۱۹۶۶: ج ۲: ۵۴-۵۳؛ طبری، بی تا: ج ۸: ۴۴۶). طاهر عملاً اموال و مستغلات بزرگان و سردارانی را که به او نمی‌پیوستند مصادره می‌کرد و بازارها را غارت می‌نمود (طبری، بی تا، ج ۸: ۴۴۷). در نتیجه این اوضاع، دزدان و راهزنان نیز شهر را در معرض غارت و چپاول قرار دادند. با این همه، امین در پایتخت رو به ناامنی خویش، سرگرم خوشگذرانی بود و حتی گاهی سپاهیان امین بیش از مهاجمان به مردم آسیب رساندند. به نوشته طبری، گاهی سپاهیان طاهر خانه‌ای را ویران می‌کردند و می‌رفتند؛ اما یاران امین در و بام آن را می‌ربودند و مانند مهاجمان به مردم زیان می‌زدند (طبری، بی تا، ج ۵: ۸۵-۸۰). بنابر گزارش ابن الجوزی ذیل حوادث ۱۹۷ه.ق، در این آشفتگی فقط زندانیان، اوباش، فرومایگان (فقیران) و دزدان در شهر باقی مانده بودند. گریختن مردم و ضرورت مقاومت در برابر سپاه طاهر، حاتم بن القصر را که از یاران محمد(امین) بود بر آن داشت تا با وعده پولی و «اجازه غارت» اموال برجای مانده مردم، این عده را برای یاری عبدالله بن الوضاح فرخواند. با آنکه این عده نخست موجبات پیروزی‌هایی شدند ولی به یکباره در کارشان کوتاهی کردند و سبب شکست عبدالله بن الوضاح و عقب نشینی وی از موضعش شدند (ابن جوزی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۲۱۵). این دست گزارش‌ها گویای آن است که تنگ آمدن اوضاع بر

امین و یارانش سبب شده تا آنان برای مقاومت بر نیروهایی تکیه کنند که پیش از آن فنون جنگی نیاموخته و سودای بقای حکومت را نیز نداشته باشند. گروهی که به «اجازه غارت» اموال مردم بیشتر از وعده دریافت پولی برای این جانفشانی‌ها دلخوش بودند. نکته برجسته در گزارش ابن الجوزی آن است که از پس حوادث ۱۹۸ه.ق از این گروه با عنوان «عیاران» نام برده شده است و پیش از آن گزارشی درباره کم و کیف این جماعت به دست نداده است. ابن الجوزی گزارش‌هایی از بالاگرفتن کار عیاران در سده‌های بعد ارائه داده است که نشان از آن دارد ایشان پس از خدماتی به دستگاه خلافت و مواجی که درقبال این خدمات دریافت می‌کردند، با گذر زمان به گروهی منسجم تبدیل شدند که به بهانه‌های گوناگون موجبات ناامنی و آشفتگی محلات مختلف بغداد را فراهم می‌آوردند (ابن الجوزی، ج ۱۴: ۲۳۳؛ ج ۱۵: ۲۶۷؛ ج ۱۵: ۲۹۶).

عیاران بغداد، مدافعان امین

پیش از نبرد امین و مأمون در بغداد، در روزگار مهدی، همین گروه‌های پراکنده در منطقه سیسر دست به دزدی و ایجاد ناامنی در مناطق همدان، دینور و آذربایجان می‌زدند که موجب شد مهدی لشکری را برای سرکوب آنها بفرستد (بلاذری، ۱۹۸۳: ۳۰۳). ظاهراً نیروهای مطوعه یا داوطلب در عصر مهدی بخشی از آنان بودند که در نبرد خلیفه با رومیان، وی را یاری کردند (بلاذری، ۱۹۸۳: ۱۶۹؛ Tor, 2007, pp.68,81). فزونی شمار عیاران و حضور آنان در برخی نبردها سبب می‌شد تا این گروه به بهانه دریافت سهمی از دستاوردهای جنگی، بیشتر در نبردهای خارجی و درگیری‌های مرزی به کار گرفته شوند و نخستین حضورشان در حادثه‌ای سیاسی و درون مرزهای خلافت و پایتخت آن، آنگاه است که لشکریان امین از ادامه نبرد با سپاهیان مأمون بازماندند و اینان با عنوان محمدیه و به طرفداری از محمد امین در برابر مأمونیه / طرفداران مأمون به دفاع از خلیفه و بغداد برخاستند (عبدالمولی، ۱۴۱۰: ۳۴). این که چه کسی پیشنهاد استفاده از عیاران را به مثابه نیروهای رزمی مدافع خلیفه و شهر به امین داد و این که آیا اساساً این کار به فکر خود خلیفه رسیده یا خیر؟ چندان روشن نیست؛ اما ویرانی، ناامنی، گسترش قتل و غارت و گریز

و تسلیم نیروهای حکومتیِ مدافع شهر، ضرورت حضور مدافعانی تازه‌نفس چون عیاران را دوچندان می‌ساخت. طبری با ارائه گزارشی دقیق و روشن در این زمینه، حضور عیاران را نتیجه زبونی سپاهیان بغداد و بازماندن آنان از نبرد می‌داند و بر آن است که جز برهنگان، زندانیان فراری، اوباش، غوغائیان و طراران، کسی را یارای ماندن در معرکه نبرد نبود (طبری، بی‌تا، ج ۸: ۴۴۷). این گزارش نشان می‌دهد که سبک‌برگی عیاران و انگیزه‌های که به واسطه آزادی و وعده‌های یاران خلیفه برای عیاران پدید آمده بود، آنان را در نبرد بیش از پیش توانا می‌ساخت.

زندانیانِ از زندان گریخته در ظاهر، که بیشتر گمان می‌رود برای حضور در میدان آزاد شده باشند، همراه شطّار، اوباش، عامه مردم و اهل کوچه و بازار نخست بزرگان، اشراف و ثروتمندانی را که از حمایت امین تن زده بودند، مورد حمله قرار دادند و به خیال خود، به دفاع از خلافت و خلیفه برخاستند. اینکه از میان دیگر اقشار جامعه بغداد آن زمان بیش از همه ثروتمندان در معرض حمله گروه عیاران قرار می‌گرفتند، گویای انگیزه‌های مادی آنان است. انگیزه‌هایی که باعث شرکت گسترده عیاران در نبرد قصر صالح شد و این نخستین حضور جدی و مؤثر آنان در عرصه حوادث نزاع امین و مأمون به شمار می‌آید (طبری، بی‌تا، ج ۸: ۴۵۵).

عیاران به رغم تسلیم علی فراهمرد و محمد بن عیسی، فرماندهان سپاه امین، بسیار شجاعانه جنگیدند و داخل و بیرون قصر صالح، شمار بسیاری از سپاهیان طاهر را کشتند. گزارش طبری از این واقعه نشان می‌دهد طاهر و سپاهیان او، نبردی دشوارتر از نبرد قصر صالح را در بغداد تجربه نکرده و به اندازه آن کشته و زخمی نداده‌اند (طبری، بی‌تا، ج ۸: ۴۵۵). در کنار گزارش مسعودی از مروّت و شجاعت عیاران و زندانیان، و ستایشی که وی از آنان می‌کند، باید به تفاوت نحوه مبارزه میان سپاهی میدان‌دیده و عیاری غارتگر توجه کرد، امتیازی که سبب شد آنان بارها سپاهیان طاهر را درهم شکستند (مسعودی، ۱۹۶۶، ج ۳: ۴۰۴). البته نیروهای مهاجم و مدافع بغداد، نه از حیث سازوبرگ نظامی و نه از حیث تعداد با یکدیگر قابل مقایسه نبودند. بسیاری از نیروهای مدافع، نه شمشیر داشتند، نه زره و نه سپر؛ آنان با ابزارآلاتی بسیار ساده می‌جنگیدند. برای نمونه، طبری از رویارویی یکی از

سرداران مسلح و کارآزموده خراسانی با یکی از عیاران سخن می گوید که از حصیر قیرآلود به عنوان سپر و توبره پرازسنگ به جای تیروکمان استفاده کرده و در عین حال، سردار خراسانی را که می خواست حقارت عیاران را به سپاهیان نشان دهد، فراری داد (طبری، بی تا، ج ۸: ۴۵۸-۴۵۷). کشتار سهمگین قصر صالح، طاهر را به خشم آورد، از این رو بر انتقال آذوقه و ارزاق به بغداد بیش از پیش سخت گرفت؛ با این حال، همین سختگیری، موجب اقبال بیشتر مردم به عیاران و حتی پیوستن به آنان شد (طبری، بی تا، ج ۸: ۴۵۸).

در نبرد کَنَاسه، دومین رویارویی نیروهای امین و عیاران در برابر سپاه طاهر، طاهر برای جبران شکست پیشین در نبرد قصر صالح، خود این نبرد را فرماندهی کرد. این نبرد چندین شبانه روز ادامه یافت و سرانجام طاهر موفق شد عیاران را در هم شکند و شمار زیادی از آنان را به قتل برساند (نک: طبری، بی تا، ج ۸: ۴۶۲). نبرد دیگر، نبرد درب الحِجَارة در شرق بغداد بود. در این نبرد هم بیشتر لشکریان امین با ابزارهای ابتدایی، حتی سنگ و چوب می جنگیدند. با این حال عیاران در این جنگ پیروز شده و شمار فراوانی از نیروهای طاهر کشته شدند (طبری، بی تا، ج ۸: ۴۶۳). در جنگ درب شَمَاسِیَه فرماندهی خراسانی ها را عبیدالله بن وَضاح برعهده داشت و عیاران زیر فرمان حاتم بن صقر بودند. ابتدا حاتم شبانه به اردوگاه ابن وَضاح یورش برد و خراسانی ها را عقب راند، حتی نزدیک بود یکی از عیاران، هرثمة بن أعین را که به یاری ابن وَضاح آمده بود، به اسارت درآورد (طبری، بی تا، ج ۸: ۴۶۵).

به رغم این پیروزی، عیاران به سبب تاریکی شب و پرداختن به گردآوری اسیر و اموال، از تعقیب نیروهای شکست خورده، بازماندند و نتوانستند از این پیروزی به خوبی بهره ببرند و موقعیت خود را تثبیت کنند. آنان به مثابه نیروی دفاعی در برابر تهاجم خارجی عمل کردند نه نیروی نظامی جنگ آموخته، و چون جذب نیروهای اصلی مدافع شهر نشدند برای ادامه نبرد برنامه ای نداشتند. در عوض، طاهر به سرعت نیروهای خود را سازماندهی کرد و با ساخت پلی بر دجله، در محل شَمَاسِیَه، عیاران را شکست داد (طبری، بی تا، ج ۸: ۴۶۷-۴۶۶). پس از این شکست، تبلیغات نیروهای طاهر بیشتر شد و اندک امیدی که برای

سپاهیان امین در برابر طاهر مانده بود از بین رفت. همچنین دشواری‌های پدیدآمده برای مردم از پس چهارده ماه محاصره شهر، موجی روزافزون از بی‌اعتمادی را میان امین و سردارانش (به عنوان مثال عبدالله بن خازم) ایجاد کرده بود. اینها مقدمات تضعیف توان مدافعان بغداد شده بود، چندان که بسیاری از آنان به طاهر نامه نوشته و با نکوهش عیاران و اقداماتشان، طلب امان کردند.

البته برخی رفتارهای گروهی از عیاران نیز بهانه را برای مخالفت بزرگان، اشراف و بازرگانان بغداد با آنان فراهم می‌ساخت. حکومت دست این افراد را باز نگذاشته بود و مردم از اقدامات گاه خودسرانه برخی از آنان در غارت اموال، دزدی، راهزنی، ربودن زنان و کودکان در امان نبودند (مسعودی، ۱۹۶۶، ج ۲: ۳۳۵؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵، ج ۹: ۱۴۹). در این میان بازرگانان که از رهگذر محاصره و منع تجارت بغداد، آسیب بسیار دیده بودند، پیش‌دستی کرده و ضمن نامه‌ای طاهر را از وضع عیاران آگاه کرده و او را به حمله‌نهایی تشجیع نمودند. ناگفته پیداست، چنان که آمد، نخستین عیاران بر اشراف و بازرگانان بغداد حمله کردند و اینک طبیعی بود که بازرگانان در نامه خود به طاهر، عیاران را مشت‌راهزن، تازیانه‌دار و تبهکار از بندگریخته تصویر کنند که موجب دشواری برای مسلمانان شده‌اند. از نظر این بازرگانان، سرکوب عیاران در واقع موجب صلاح کار دین بود (طبری، بی‌تا، ج ۸: ۴۶۸-۴۶۷).

طاهر با وعده عفو تسلیم‌شدگان و تهدید به مرگ قتال‌کنندگان، گروه‌های مختلف مردم بغداد از بازرگانان و کسبه حتی عیاران را به خویش می‌خواند. مردمان فراوانی تسلیم او شدند، اما در کمال شگفتی، عیاران بسیاری حتی تا لحظه آخر، یعنی پنج روز مانده به محرم سال ۱۹۸ که امین تسلیم هرثمه شد، همچنان می‌جنگیدند و حتی امین را از تسلیم برحذر می‌داشتند. در نگاه عیاران، دشمنان امین در دو جبهه خیانتکاران و طاهر صف کشیده بودند که نبرد با طاهر بسی آسان‌تر از نبرد با گروه نخست بود (طبری، بی‌تا، ج ۸: ۴۷۹؛ مسعودی، ۱۹۶۶، ج ۴: ۱۶۰).

در این میان عیاران بی‌شماری نیز بودند که به رسم عیاری، تنها به غارت اموال ثروتمندان و بازرگانان می‌پرداختند و عقیده داشتند مال ثروتمندان در واقع زکات فقرا و

نیازمندان، از جمله عیاران است. با این حال آشفستگی اوضاع مانع از آن می‌شد تا تمایزی میان این دو دسته از مدافعان شهر و خلیفه پدید آید (تنوخی، ۱۹۷۸، ج ۲: ۱۰۸؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۹: ۱۱۵). از این رو، عامه مردم، بیشتر عیاران را جوانمردانی مدافع شهر و مردم می‌دانستند (متز، ۱۹۶۷: ۳۰). این عیاران اگرچه خوب می‌جنگیدند ولی در برابر منجیق و سپاهیان منظم نتوانستند پایداری کنند و سرانجام با دادن تلفات بسیار شکست خوردند.

ویژگی‌های عیاران در پرتو حوادث بغداد

تهاجم به شهر و محاصره آن توسط طاهر عملاً نیروهای خلیفه را برای دفاع از شهر از کار انداخته بود و تنها نیرویی که می‌توانست برای اندک مدتی در برابر مشکلات پدیدآمده از خلیفه دفاع کنند، همین گروه عیاران بودند. این گروه به علت داشتن چند ویژگی از نیروی نظامی رسمی خلافت بیشتر به کار آمدند:

پوشش

نحوه پوشش عیاران در مقایسه با سربازان سراپا مسلح و زره‌پوش طاهر به آنان کمک می‌کرد سریع‌تر نبرد کنند. در گزارش‌های مورخان از درگیری‌های بغداد آمده است که «عیاران با تن برهنه به میدان می‌رفتند، درحالی‌که تنها لنگی به کمر بسته بودند و کلاهی از پوست درخت خرما در سر داشتند.» این پوشش آنان را قادر می‌ساخت تا گرما را بیشتر تحمل کنند و توان مضاعفی برای مقابله داشته باشند. به گفته مسعودی، عیاران زنده‌پوشانی عریان و فاقد زره و خود بودند که شیورشان از شاخ گاو بود (مسعودی، ۱۹۶۶، ج ۳: ۴۱۷-۴۱۶؛ برای تکرار این صحنه‌ها در دوره‌های بعد، نک: مسعودی، ۱۹۶۶، ج ۳: ۴۱۵). با آنکه این نحوه پوشش از طرف مهاجمان مورد تحقیر قرار می‌گرفت اما در عمل به نفع مدافعان شهر شده بود.

شیوه نبرد و تجهیزات نظامی

عیاران به شیوه نبردهای نامنظم و درون‌شهری با سربازان طاهر مقابله می‌کردند؛ در خانه‌ها کمین می‌کردند و با غافل‌گیری به سپاهیان طاهر یورش می‌آوردند (طبری، بی‌تا، ج ۸:

۴۵۴ به بعد). نبرد به این شیوه نیازمند تجهیزات رزمی ویژه نیست، از این‌رو عیاران با هر آنچه به دستشان می‌آمد حمله می‌کردند که بسیار هم ابتدایی بود؛ برای مثال حصیر قیرآلود را سپر خود می‌کردند و توبره‌ای پرازسنگ را به عنوان تیر و کمان مورد استفاده قرار می‌دادند (طبری، بی‌تا، ج ۸: ۴۵۷-۴۵۸). آنان با بستن ترکه‌های چوبی و برگ‌های نخل به یکدیگر کلاه ساخته و از نی، سنگ و کلوخ در نبرد بهره می‌بردند. به‌رغم این ظاهر ساده و تجهیزات ابتدایی، عیاران در بیشتر موارد تا پای جان می‌جنگیدند و در نبردی چون نبرد قصر صالح، شمار زیادی از سپاهیان مجهز و مجرب طاهر را کشتند (طبری، بی‌تا، ج ۸: ۴۵۴ به بعد؛ مسعودی، ۱۹۶۶، ج ۳: ۴۱۵). حتی زمانی که امین قصد تسلیم شدن به طاهر را داشت، بسیار از عیاران مانع او شدند؛ و یکی از عیاران که ابراهیم بن مهدی را در خانه خویش پنهان ساخته بود، با وجود جایزه هزار دیناری، از تحویل او سرباز زد (ابن طیفور، ۱۹۶۸: ۱۸۷). دسته‌ای از عیاران، چاقوکشانی بودند که با پیش‌بندی به نبرد می‌آمدند، لذا آنان را شطار می‌نامیدند (زیدان، ۱۳۷۲، ج ۵: ۶۰).

امرار معاش

می‌توان گفت یکسان‌دانستن تمامی عیاران مدافع بغداد با دزدان، غوغائیان و اوباش چندان دقیق و صحیح نیست و باید پذیرفت که بسیاری از عیاران تنها و تنها از سرِ حس جوانمردی، دفاع از مردم و شهر خویش، بغداد، دست به اقداماتی متهورانه می‌زدند. اساساً عیاران نیروهایی پراکنده‌ای بودند که به وقت فتنه و آشوب با وعده پول و «اجازة غارت» به حمایت از هرطرف دعوایی وارد میدان می‌شدند (الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴: ۲۷۱). دسته‌بندی‌های عیاران، شطاران، صعاليك، زواقيل، حرافيش و غيره در وقت آشوب‌ها خانه‌ها و دکان‌ها را غارت می‌کردند. شطاران را در خراسان سربداران می‌گفتند که آنها غارتگری و راهزنی را گناه نمی‌دانستند و آن را نوعی زرنگی می‌شمردند و معتقد بودند که چون بازرگانان و توانگران زکات نمی‌دهند، لذا غارتشان حلال است و همین که یکی از آنها پیر می‌شد به خدمت خلافت درمی‌آمد و دزدبگیر و شریک دزدان بود (زیدان، ۱۳۷۲، ج ۵: ۸۷۱).

نقش آفرینی عیاران در دوران دیگر خلفا

عیاران به عنوان گروهی که نظم و ساختار مشخصی نداشتند و در اوضاع آشفته به کار دستگاه‌های حکومتی می‌آمدند، از هر فرصت آشوبناک بهره می‌جستند: خواه این آشوب منشأ سیاسی و نزاع حکومتی داشته باشد خواه به سبب اختلافات مذهبی پدید آمده باشد، به‌ویژه که محیط بغداد آستن این نوع درگیری‌ها بود. با آن که پس از فتح بغداد به دست طاهر بن حسین و هرثمه بن أعین تا مدت‌ها دیگر سخنی از عیاران نیست، اما در مواقعی چون عصر متوکل (حک: ۲۴۷-۲۳۲ق.)، مستعین (حک: ۲۵۲-۲۴۸ق.) و معتز (حک: ۲۵۵-۲۵۲ق.) و غلبه سرداران ترک، مجدداً از نقش آفرینی عیاران در بغداد سخن به میان می‌آید. به وقت آشفتگی سیاسی و درگیری میان مقامات خلافتی و حکومتی، زمینه مساعد می‌شد تا عیاران پا به عرصه بگذارند و به هر طرف که دست و دلبازی بیشتری در پرداخت مواجه می‌کرد، برای غلب بر دشمنش کمک برسانند (برای نمونه نک: المنقری، ۱۴۱۰: ۱۶۱؛ ابن أعثم، ۱۳۹۱، ج ۳، ۲-۲۱؛ دینوری، ۱۳۷۹: ۱۶۸). متوکل عیاران را در قالب گروه نظامی دوازده هزار نفری برای مقابله با ترکان سازماندهی کرد (فاروق عمر، ۱۹۸۲، ج ۳: ۵۵). یا در جنگ میان مستعین و معتز در سال ۲۵۱، مستعین که چون امین محاصره شده بود، در قبال پرداخت مواجب، از عیاران یاری طلبید (ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۶: ۲۴۴). چنان که در حوادث ایام معتضد (حک: ۲۸۹-۲۷۹ق.) و یا حوادث سال ۳۱۵ق. در ایام مقتدر (حک: ۳۲۰-۲۹۵ق.) و یا دوران فترت از قتل بَجْگَم تا تسلط آل بویه بر بغداد (۳۳۴ق.)، از حضور مؤثر سیاسی عیاران در اجتماع بغداد سخن به میان می‌آید (مسعودی، ۱۹۶۶، ج ۴: ۱۶۰؛ مقدسی، ۱۹۰۶: ۱۲۰؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵، ج ۴: ۱۳۶). از این رو می‌توان ادعا کرد، گروه‌هایی از عیاران در ایام ضعف خلافت و ناتوانی خلیفه وقت در کنترل بغداد، پیوسته در زیر پوست شهر وجود داشته، در حوادث سیاسی و اجتماعی بغداد نقش آفرینی می‌کردند. عیاران در درگیری‌های مذهبی دو محله کرخ و باب‌البصره شرکت می‌کردند، به‌ویژه در دوره حکومت آل بویه بر بغداد، که خلیفه اهل سنت در دستان امیری شیعی بود، (العبر، ابن خلدون، ج ۳: ۱۰ و ۱۱) آنان در شهر به سبب نداری آشوب‌هایی به راه می‌انداختند؛ به حدی که در سال ۴۲۴ه.ق سید مرتضی به آنان نامه داد که توبه کنند و در برابر دریافت حقوقی از سلطان به استخدام دولت در آیند (المنتظم ابن جوزی، ج ۸: ۷۹).

نتیجه‌گیری

عیاران بغداد گروه‌های پراکنده‌ای از میان توده مردم بودند که تا وقوع نزاع میان امین و مأمون، امکان نقش‌آفرینی چندانی در امور سیاسی و یا نظامی برای آنان فراهم نبود. نزاع امین و مأمون و ناکامی سپاهیان امین در دفاع از بغداد و خلیفه، حضور مؤثر آنان را در دفاع از خلیفه و بغداد ضروری ساخت. عیاران با شجاعت تمام و جوانمردانه در دفاع چهارده ماهه از بغداد، جانفشانی‌های فراوانی کردند. بخشی از انگیزه حضور و تلاش برای حفظ خلیفه، آزادی عملی بود که به سبب این اعتقاد که اموال ثروتمندان، اشراف و بازرگانان همانند زکات، به فقرا و مستمندان تعلق دارد، برای عیاران ایجاد شده بود. با این حال، منش و رفتار آنان را می‌توان یکی از نمونه‌های مهم در تاریخ عیاری و عیاران به شمار آورد. بررسی نمونه‌های رخ داده، پس از نزاع امین و مأمون نیز نشان می‌دهد که عیاران بغداد پیوسته از خلأ قدرت یا به عبارتی بهتر آشفتگی اوضاع به سود خویش بهره برده و نقش سیاسی مؤثری در حوادث ایفا کرده‌اند. حوادث دوران نزاع امین و مأمون زمینه‌ساز شکل‌گیری طبقه‌ای در میان مردم شد که بعدها جلوه‌های گوناگونی یافت.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین (۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارالصادر.
- ابن طیفور، ابی‌طاهر. (۱۳۸۸ / ۱۹۶۸). *بغداد فی تاریخ خلافة العباسیه*. بغداد / بیروت.
- ابن جوزی، محمدبن مکرم (۱۴۰۳). *المنتظم*. بیروت: دارالفکر.
- _____، *تلبیس الإبلیس* (۸۴۱۰). بیروت: دارالصادر.
- ابن‌اعثم کوفی، محمدبن علی (۱۳۹۱ ش). *الفتوح*، مترجم محمدبن‌احمد مستوفی‌هروی. نور محبت.
- ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل (۱۹۷۷). *البدایه و النهایه*. بیروت: مکتبه المعارف.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۲). *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر.

- احمدوند، عباس (۱۳۹۰). *نهاد ولایت عهدی در خلافت اموی و عصر اول عباسی*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- اصفهانی، راغب (۱۹۶۱). *محاضرات الادباء*. بیروت: دارالمکتبه الحیاء.
- بکری، ابو عبیده (۱۹۵۸). *الأمثال*. تحقیق احسان عباس. مطبوعات جامعه الخرطوم.
- بلاذری، احمد بن ابی جابر (۱۹۸۳). *فتوح البلدان*. بیروت: مکتبه الهلال.
- تنوخی، قاضی ابوعلی محسن (۱۹۷۸). *الفرج بعد الشدة*. بیروت: دارالصادر.
- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر (۱۹۷۸). *الحيوان*. بیروت: دارالصعب.
- جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس (۱۳۴۸). *الوزراء و الکتّاب*. ترجمه ابو الفضل طباطبایی. تهران: بی نا.
- خلیف، یوسف (بی تا). *الشعراء الصعاليك*. مکتبه الغریب. قاهره: بی تا.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲ ش). *لغت نامه*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۹ ش). *الاخبار الطوال*. تحقیق عبدالمنعم عامر. جمال الدین الشیال. قم: مکتبه الحیدریه.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲ ش). *تاریخ تمدن اسلام*. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۶). *تاریخ الخلفاء*، حقه شیخ قاسم شماعی الرفاعی، بیروت: روائع التراث العربی.
- صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۳۵۳). *منتهی الارب فی لغات العرب*، تصحیح و تعلیق محمد حسن فوادیان، علیرضا حاجیان نژاد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (بی تا). *تاریخ الأمم و الملوک*. تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم. بیروت: دارالصادر.
- عبدالمولی، محمد احمد (۱۴۱۰ ق.). *العیسارون و الشطّار البغادده فی التاریخ العباسی*، اسکندریه: مؤسسه شباب الجامعه.

- عقیلی، محمد الرشید. «العیارون و الشطّار و دورهم فی الحرب بین الأمین و المأمون». *مجلة دراسات تاریخیه*. العددان ۴۹/۵۰، آذار- حزیران ۱۹۹۴.
- *العیون و الحدائق*. ج ۳. به کوشش دخویه. لیدن: ۱۸۶۹.
- عمر، فاروق، (۱۹۸۲). *العباسیون الأوائل*. عمان: المطبعة الأردنیه.
- قرشی، محمد ابوزید (بی تا). *جمهرة أشعار العرب*. بیروت: دارالصادر.
- کخاله، عمر رضا (۱۹۷۳). *دراسات اجتماعیة فی العصور الإسلامیة*. دمشق.
- متز، آدام (۱۹۶۷). *الحضارة الإسلامیة فی القرن الرابع الهجری*. بیروت.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۹۶۶). *مروج الذهب و معادن الجوهر*. بیروت: دارالاندلس.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۹۰۶). *أحسن التقاسیم*. بیروت: دارالصادر.
- المنقری، نصر بن مزاحم، (۱۴۱۰هـ / ۱۹۹۰). *وقعة صفین*. تحقیق و شرح: عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دار الجیل.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۴۳). *فرهنگ نفیسی*. تهران: کتاب فروشی خیام.
- یعقوبی، احمد بن واضح (۱۸۹۲). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دارالصادر.
- Tor, D.G., *Violent Order: Religious Warfare, Chivalry, and the Ayyar Phenomenon in the Medieval Islamic World*, Germany, 2007.